نقش قرآن در تحول نقد و بلاغت

دکتر محمود فضیلت
دانشیار دانشگاه تهران

(از ص 199 تا ص 215)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۰/۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۰/۳/۱۰

چکیده:
از آغاز حضور قرآن کریم در حوزه‌ی الیه‌شناسی و فرهنگ، تقد و بلاغت نیز مورد توجه قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به آثار ادبی و بلاغی‌ای چون مجاهدین القرآن، نیز مطرح کامل، مخصوصاً تولدت مجهزات مذهبی و اعجاز القرآن از جهانی به تدریج نقد و بلاغت از ایوان‌فکر قلیانی بین جعفر و کتاب

شعر، شعر از این قبیله دینوری و کتاب کامل از گروه اشکار کرد. همچنین در قرن چهارم هجری عبدهی بن معتمد با تألیف در آراوهای قرآنی به تدوین مباحث علم بانی برداخت و آمیکی کتاب موارد و ابیهال عسکری در میانه قرن چهارم کتاب

مباحث‌هایی را نوشته.

تأمل ویژن‌گان در مقولهای چون موازنه و بلاغت از دیگر اسطوره، رمز و رازهای زبان، فنون زیبایی‌شناسی، نحو و کارکردهای آن، علم قرآنی و رابطه بلاغت و اعجاز قرآن، متأثر از نقش قرآن در تقد و بلاغت است.

در این مقاله، نقش قرآن در تقد و بلاغت و لفظ و ترکیب و شکل و محتوا و موسیقی و تصویر و هم‌هندسی در لفظ و معنی و شخصیتی‌های داستان‌خوانی و سبک مورد توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، نقد، بلاغت، و تحول و ارگذاری.

Fazilat Mahmoud @ yahoo.com
دانشیار دانشگاه تهران

۱. برگرفته از طرح پژوهشی
۲. رکه به اثر القرآن در طورі القد العربی، تألیف سلام محمد زغلول، فهرست مطالب.
مقدمة:

القرآن الكريم بطرق مخاطبته من آغا رستون تأمل بالانگریزی بوده است. این پدیده، افروند بر
کارکرد اجتماعی، در زمینه فنون بلاغی و ادبی نیز قابل بررسی است. زمینه تأليف و ترجمه
کتابهای بلاغی قرآن کریم بوده است که از جمله می‌توان به مجاوزت‌های قرآن، کتاب الفضاحت، اشعار
القرآن، تفکر، تأثیر، شعر، شعر و شعر، الكامل و البلاگه، البیان و الیونه، و الکساندرین
اشتهاد کرد. گرچه هر یک از این کتاب‌های به گونه‌ای با بلاغی و تصویر و زبانی شناسی ادبی
پیوند دارد، تأثیر نیستندگان که تهیه‌های تأثیر آن را در قرآن کریم، می‌توانسته است
است. همین‌ها ناهمسانی و گوناگونی انگلیسی درباره قرآن موجب بالندی و رشد علم بلاغی در
سده‌های آغازین اسلام گردیدند. از دیگر دلایل بالندی زبانی شناسی ادبی، این است که آن
اسلام در جغرافیای و بسیاری گسترش یافته و مسلمانان درباره اعجاز ادبی قرآن به عنوان
موضوعی جدی و فعال به فن ترکیب انداختند و اندک اندک به نگارش کتابهایی در فن معنایی و
بان و پس از آن بدعی نابی آمیدند و اندهیزه‌راین یون ان معنی و قدرت بین جغرافیه تندوی
کتابهایی در بندی و آرایه‌شناسی قرآن هم کمی شده و نگاه کاند و کسی در این زمینه روز به روز
کمال یافت تا اینکه ابویکر عبدالله جرجانی کتاب دلاور الاطلال به داده و سازمان الیونه را در
زمینه بین‌الملل و نظریه‌های مهم نظم را مطرح کرد. (یوسف خلیفه، ص ۱۵۳) مطالعه
سگاکی درباره بلاغت، کارهاه عبدالله جرجانی را کمال بهبود بخشید تا جایی که برای بر
باورند که پس از سگاکی کسی نتوانسته است مطالعی را بر کشف‌های او بیفیا. (رجایی، مقدمة،
بح چ) این بطور جایگاه‌ها و ایلاج سگاکی را در عرصه ادب و بلاغت نشان می‌دهد.
قدام‌های در کتاب تقد/البداعی و یوزگه‌های زبانی قرآنی را در شعر دو تبت از شعرای عرب
جستجو کرده است: شاعرانی گفته است:

و هر یک از این زبان و رسول دعیه، و
و این زبان رسول دعیه، و مردان را به عقل و به می‌نماید، و دیگری گفته است:
و کانون تسریع بین معبود هک کسی
و گویی امر شکفت‌البیسه و خاموشی را می‌بیند که و پناه و کمال آن در سخن گفتن است.
(رانک: ابوالفرج، ص 16)

از دیگر کسانی که بلافاصله را موضوع بررسی خود قرار داده، چنان‌که محمد حسن‌نژاد در کتاب، اصول التفکری بالغ‌شده، به‌طوری‌که پاسخ‌های متعددی را ذکر کرده است. (عبدالله، ص 49) پاسخ‌های ابوعلی اجرایی نوعی یک نقد و بررسی ادبی شمرده می‌شود اما تمامی نقد را شامل نمی‌شود. کار قبلاً، چنان‌که جوهرت فخرالدین گفته است: گفتگوی شعله بالادو ادبیات است که به ادبیات سمعت و سو مه‌ده و در آن تأثیر می‌گذارد و زمینه‌های آن را گسترش می‌دهد (فخرالدین، ص 12-13). اما بررسی و شرح و تحلیل بالغ‌شده قرن، با نقد، کارکردی درگاه‌های ناشی از گسترش و تحلیل نقد و بلاغت انجام‌بده است و اصولاً فصلی جدا هر چنان‌که جریان زیدان اشکال کرده است در تدوین تاریخ به وجود آوردی. است (نگ: زیدان، ص 15). اما آنجای قرن transit یک شکوفه شناختی فهم‌شده است، نما. سرشت انسانی عجیب شده به گونه‌ای که این ویژگی چنین خود را در آینده دور هم قابل تغییر نیست. (ضیف، ص 16) و در زمینه‌های گوناگون پیام‌آفرین است و به شیوه اعجوبه‌انگیز نظر نیاز و نر و زبان و ادبیات را در آمیخته است، از یک سوی مانند نشر در ساختار و روابط فتوت و منعی، به معنا توجه می‌کند و به تفکر می‌پردازد و آن را جستجو می‌کند. (بوسف خلیفه، ص 103) و از سوی دیگر با مویسیک و تصویر بلاغی و ادبی درآمیخته و فنون بلاغی را برای ارتباط و برپایه سریع و عمیق با مخاطب به کار برده و نیاز امتحان، ارجاع شیرین و معنی نزدیک و ساده و مقبولیت و پیچیدگی بهره جسته است و در عین عمق بودن، می‌توان از کلام آن، ظاهر معمایی انتخاب کرد و بیان آن نرم و نقطه است و این همه، چنان‌که ابن بزرگ‌الفنین شریف که در گذشته است (بوسف خلیفه، ص 98) از سوی دیگر ابن هماهنگی و اساس در کلیت است که قرن را راز‌آمیز و شکوفا‌کننده نشان می‌دهد و رمز جادوگانی آن را با رنگ لفظ فصیح و روشن و محتوای زمره آن دانست که در اصطلاح، سهل ممتنع نامیده می‌شود. در
بیانی دیگر قرآن ظاهر و نمودی انس و باطن و بودی عمقی دارد. درباره ظاهر و باطن قرآن مجید از پیامبر(ص) حديثی نقل شده است: "آن لیل قرآن ظاهر و باطن و لیل قرآن بیطن".

بلاغت که نزد مسلمانان مهم‌ترین نوع نقد ادیبی به شمار می‌رود. در جغرافیای اندیشه اسلامی و به وسیله متکلمان به وجود آمد و اعتقاد به اعجاز قرآن از عقاید ضروری مسلمانان بوده است (نک، فضیلت، ص ۳) و از این رویه که در نقد و بلاغت اسلامی، به طور گسترده‌ای، نشانه‌های علم کلام دیده می‌شود.

گذشته از ضرورت رازآمیزی ادبی در آثار جاخاوه، نویج به ظاهر و باطن قرآن دیگر نیز دارد که علائم طبایعی به آن برداخته است. او می‌گوید: "نظر به اینکه افهام در درک معنویات اختلافات شدید دارد و این معنا از خطر مأموریت است، قرآن، تعامل خود را مناسب سطح ساده‌تر فهمه که فهم عادی مردم است قرار داده و با زبان ساده عمومی سخن گفته است. به‌هیچ‌کنون روش این تنیجه را خواهد داد که معنای عالی‌نمایی با زبان ساده عمومی بیان شود و ظواهر الفاظ مطابق و وظایفی از سنن حسن و محسوس الیاء تعریف و معنویات در پشت برداشته قرار گرفته و از پشت این برده فرد را برای خود افهام مختله بیان‌کننده به آنها نشان دهد و هر چه به حساب حال و اندازه درک خود از آنها به‌معنای نوش. (طباطبایی، ص ۱۳-۲۴) یکی از تأثیرنگ‌های هنری خواهی حافظه قرآن چه‌چه چرده، همه از دولت قرآن کردند؛ گونه‌های چندگانه معناپذیری در شعر اوسط. تا چهاری که خود گوید:

من این دو هر روش تنوش جان با خدانست نو هم ز روز دیگر زمان با خوانن که تو دیگر از دیگر و یکی گزینی که قرآن، ساختار قسمت بردازی آن است. جان‌های میدانی در قسمت زمان و مکان فرضیان و تصوری. مشخص نمی‌گذرد که قسمت‌ها مریخ به‌چه زمانی است. به جسد و گمان باید دریافت که این قسمت‌ها به‌چه دوره‌ای تعقیب دارد و بازگوکنش و وضع اجتماعی مردم کدام دوره است... در زمان و مکان فرضی و تمیلی

۱ ظاهر؟ انس و باطن (مطلق)
بعضی از داستان‌های کوتاه و بلند امروزی و نویسنده‌ها فکر و اندیشه‌های را در حیطة زمینی و مکانی خاصی که جنبه متفکری و نمادن دارد مطرح می‌کنند. تا به داستان، بعد کلی و جهانی بوده و به دردها و اسارت‌ها و تنگ‌ناهایی سرنوشت بشری از دیدگاه عمومی و جمعیت‌نگاهی کنده‌(میر صادقی، ص 51). همین ویژگی است که به داستان ظرفیت و حجم گسترش‌تری می‌دهد. از دیگر جنبه‌های قصه‌های قرآن این است که جوی طبیع انسان به مفهومی «ولکن لاتحوزن التاصحین» از امر و نهایی صریح ویگن‌دان است از این رو حقایق حیات و مثل دلیل عادت را زیر لغات‌هایی که به صورت تاریخی قرار داده و در حدید دیگران راه سعادت و شفاه را آشکار ساخته‌نگاره‌ای‌ها آمیزی هدایت و اتمام حجت عمیق شده... (بالغی، ص 3) از هرگاه همین داستان‌های تاریخی است که زیاد قرآن را که‌ته‌رنون و درست‌ترین منبع مدعوی از تاریخ عرب دانسته است(نک: زیدان، ص 15).

زاغول نژر از تأمیناتی که در زمینه نفی قرآن در تحویل نقد و بالغین عرب داشته، تصوری محققانه ارائه می‌دهد. از دیدگاه او بررسی آثار بالغینی و نقد کتبی در زمینه قرآن و سیر تحول آن‌ها نشان می‌دهد که نقد و نقدی ادبی در دوره آغازین اسلامی متأثر از دیدگاه‌های غلامان تیم و به ویژه منکشمان بوده است و پس از آن اندیشه‌هایی نو در زمینه بالغین ظهور می‌کند و تا پایان سده چهارم هجری می‌پاید و منتقل می‌شود از این اندیشه‌ها بیرون می‌کند. رساله‌هایی بر یک دیگری در زمینه دیدگاه‌های بالغین نوشته‌می‌شود و شیوه‌ها و مکتب‌های گوناگون بالغین رخ می‌نماید که اغلب با نواوری هایی همراهند و بسیاری از داشتهاند به نقد و نقدی می‌پردازند. در قرآن ن прожک مرحله دیگری در نقد و فنون سخنوری آغاز می‌شود و عبدالقهر جرجانی با بررسی قرآن، بطور مستقیم و غیر مستقیم به طرح اندیشه‌های جدید بالغینی می‌پردازد. پس از عبدالقاهر، زمخشیری در کتاب‌الکشف عن حقایق التنزیل، افق های جدیدی را در تبعیضات قرآنی کشف و قرآن را بر پایه علم بیان تفسیر می‌کند. پس از زمخشیری، این اثر، شرح و تحلیل بالغین خود را با کلام و فلسفه می‌آمیزد و مکتب و پیچیده‌نیویسی را مبانع رسالی معنی و معنوی می‌دانند و معنا و بیان و بیدع‌ها از این دیدگاه بررسی و دراوری می‌کنند (نک: زاغول).
اصفهان بر ضرورت تحلیل تاریخی سیر تحول نقد و بلاغت در پرنو قرآن، می‌توان
این کتاب مقدس را از زاویه موسیقی و بینایی بررسی کرد و این پرسش را مطرح کرد
که قرآن از نگاه «آواه و تصویر» چگونه است؟ پاسخ به این پرسش، به ویژه در حوزه
تصویر نسبی و شخصی است و از این روی نمی‌توان به پاسخی جامع دست یافته و
شاید اختلاف آراء اندیشه‌وران در این باره ریشه در نسبیت و شخصیت ورود دیگرگاه‌ها
داشته است، اما از آن جهت که مطالعه وجوه آوایی و معنایی قرآن به منظور بازشناسی
زبانی هنری و ادبی آن، انجام ناپذیر است؛ به بیان برخی از این دیدگاه‌ها می‌پردازیم:
یکی از دیدگاه‌ها بر آن است که قرآن، بیشتر در حوزه موسیقی واقع است تا حوزه
تصویری» از این منظر موسیقی قرآن زانده وزنده و قوافی موجود در آن است که در
سور مدنی هم تا حدی به کار آمدند است با اکثری و داشته که این وزن و قوافی از
قواعد دقیقی پیروی نمی‌کند و قابلیت آنها بر حسب خویشاوندی اصول به کار گرفته
شده و غرض هزگر غنا و انبوهی قابل نبوده است.

یک تردد قرآن کریم، نه است اما نه به نشر اندیشه‌‌دان شیبه است و نه به نشر
شاعرانه؛ تا حذی شیبه است به نشر پرشور خطبانی با نشر آتشین و اعتیان مذهبانی و
اجتماعی که اندازه‌اندک به نثر اهل جدال و قانون می‌گردد اما هرگز از مراحل عظیم
شاعرانه به‌نهایی گفته نمی‌گردد (عبدالجلیل، ص ۹۱). گوش‌نوازی‌های قرآن برکسی پوشیده نیست.
آراهای آوایی بی‌بعد ماند بسانند و این هما بسیاری مورد مصوت کوتاه، بسانند مصوت
بلند، گونه‌های مختلف جنسی جنای تام، ناقص با محفر، زایده، اضافه، شبه
اشتقاق، مضارع، اختلاف مصوت کوتاه، اختلاف مصوت بلند، بلند کامل، بلند بعضی و
گونه‌های مختلف سنج، توصیف و تصویر در قرآن وجود دارد که در اینجا نمی‌باشد.

مختصری از آن اشاره می‌کنیم:
الف) بسامد واج:

الألف نشر لك صدرك. (الشرح: 1)
الذي جمع مالاً وعهدته. (هجره: 2)
كلما سوف تعلمنا. (تكاثر: 3)
أم تزكك فعل ركز بأصحاب الفيل. (فيل: 4)
بتبت بدأ أبي لهب وتبث. (مسد: 5)

جناكهة بدأست در ابن آيات، بسامد مصورة كوتاه فتحه مشهود است كه نوش را
مريزود ونوه را برائ تأمل أمامه مي سارد. كاهي ابن نوشنازدي في تكرار حروف
منها يا مصورة هاي بلند تحقق مي بابد:
أخرجه منها ماءاً ورغبها. (ناععات: 31)
وقالوا بعذا إذا أطفنا سادتنا وكبراننا فأضغنا السيلاء. (أحزاب: 67)
إذا أعتدنا للكافرين سلاسل وغلالاً وسويراً. (دهر: 42)
التثنين院院士ون المتبصرون السامعون الزاكعون الساجدون الآمرون
بالمعرفة... (توه: 112)

الصابرين الصادقين القانونين المثفقين المستغفرين بالأسحار. (آل عمران: 17)

أهنتب واج وحلف انزوان بر ابنك به نوشنازي ويجاد يذبه إياها أوابي
مياتجاون، جوانا سوت قطرات، خير آمن معا مي دهد به فناتا بوب -فتغنا وتنفظ
وازه بايد برواکي برائ معنى باشده. (ولمن، ص 82) وبيضي في يزيدي هار قران مجيد
بخصوص در أبيهيا كه مربوط به ذاتية قيامت مي شود ارتباط تكانتش لوط با معن
ومصداق است. اب بسامدإبي كه رابطة أواي با معنا را هموز مي كن، بسامد صامت يبا
حرف مي باشده. بعضي از حروف ار عرف ادبيات بانگر ينهايى هستند. ازجامل حرف
اخ بانگر خمودى وحرف ش نشان شدوي وهنگمه وحرف مين نشان دهندية
سکوت به آرامش وسامست. بسامد صامت يا حرف اگر بانگر جنين ارتباط باشده و
ابن ارتباط توسط شنوده يا خوانندگى تى، درك شود بهبه هي است كه حلقة هنرى ارتباط
أواني را بعده دارد. در اینجا به چند نمونه از باسام صامت یا حرف در قرآن اشاره می‌کنیم:

(زلزله: 1)
فسوف محاسب حساباً پیسراً (الشفقه: 8)

من شر الوسواس الحناس الید بوسوس فی صدور الناس (ناس: 5 و 4)
یلیستروا می نبند و استبرق متقلبین (دنخان: 53)

فی‌سیره الدلیری (اللیل: 7)

بزوگ و رنگ و ازگانی نیز یکی از شیوه‌ها برای تمیید شنونده و خواننده و تأمل و تدفق بیشتر می‌باشد. درنگ و تأمل هنگامی کمال می‌یابد که پرستش ورف‌گونه‌ای از تشکیل ذهنی و انگیزشی را در یک داشته باشد. مانند این نمونه‌ها:

الف: عقیده، ما عقیده. و ما ترجیح ما عقیده (الفاطمیه: 23).

إذا أزنتنا فی لیلة الصفر و ما ترجیح ما لیلة الصفر (الفقره: 1 و 2)
و السما و الطارق و ما ترجیح ما الطارق (الطارق: 26)

الهافت ما الهافت وما ترجیح ما الهافت (الهافت: 2 و 3)

و ما ترجیح ما يوم الدینن. و ما ترجیح ما يوم الدینن (ال تعتبر: 17 و 18)

ب) وجود گونه‌های تصدیر از دیگر ویژگی‌های این کتاب آسمانی است. آنها وازگان در بدعی‌ترین شکل ممکن جلوه‌گر می‌کند و موسمی‌های نا‌زیرفای جان، ره می‌یابد. رده‌پای واژه‌ها در آیه‌ها هوش را می‌کاوش و به تأمل و تأمل در معانی واژه‌ها ره می‌گشاید:

لَبَلَمُ اللَّهِ الدُّنِیَّ آُمَّـٰکُ وَ لَبَلَمُ اَلۡمَتَّافِیِّینَ (عَنْکَبُوت: 11)
کل این من عقیده فی النص فی النص فی کتاب این کتاب فی کتاب (علق: 16 و 15)
کل این تنبیه می‌گردد فی الخطمه و ما ترجیح ما الخطمه (بهمع: 2 و 3)
لا أقسم بهدا البلد و أنت حمل بهدا البلد (بدع: 2 و 1).
نفس القرآن في تحول نقد وبلاغة

فيَّامَتِئْنِّي لا يَعْدُبَ عَذَابًا أَخُداً، ولَا سُوءًا نَافِعًا أَخْداً (۱۵-۱۶)

دَيدِمْ كَهَّ وَازِدَ لَيْعَلَّمَنِّي إِلَى غَزَاوَةٍ إِرَايٍ نَخْسَتَ نَكَّارَ شَهَّهُ اسْتَ وَدُرْ نِمْوَهُ إِيَّاٰهُ 

بَعْدَ بَهُذَا تِرْيِبَةً نَاصِبَيْهِ حَطَّهُمْ بَلْدَهُ وَأُخَذَ بِصُورَتِ بِدِينِهِ مُؤُودْ 

جَ جَاهِيْهَا أَوَّلِيَ قَرْآنٍ إِلَى حُزَاوَةِ جَانِسِ نَيْرِ بِبِيْسَارِ جَشَمِيْگَرِ إِسْتَ هُمَّة أَرَايَهَا 

أَوَّلِيَ وَإِلَى جَانِسِ نَيْرِ بِبِيْسَارِ جَشَمِيْگَرِ إِسْتَ هُمَّهَ أَرَايَهَا (سُلاَمَاءِ صَ)۱۷۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱
بلاگی، ادبی و هنری قرآن در تطور تاریخی است. و از این جهت، رموز بلاغت
پژوهشی تاریخی قرآن را فارروی‌ها یا آگاهان من کند. از دیدگاه‌های اثنیانی و
برجمگی‌های هنری چندگانه‌ای دارد و یکی از جویه‌ها جهت تصویری است. مینا
پیش از آنکه به این مطلب پردازشی به دیدگاه عدل‌الجلیل در کتاب تاریخ / ادبیات عرب
اساره‌می‌کنید که گفته است: "کتاب مقصد قرآن بشری در حوزه موسیقی" واقع است
تا در حوزه "تصویری" (عیدالجلیل، ص. 90) هر چند اظهارنظر دقیق درباره این دیدگاه
عیدالجلیل نیاز به بررسی آماری و پیامد در این شاید دانستن این مطلب لازم باشد
که درک جلوه‌های آوازی در هر زبان از نظر هر یکی از نظر یکی از نظر دیگران آسان‌تر
از زبان‌های تصویری است. درک زبان‌های تصویری نیاز به تأمل و تفسیر دیگری است
دارد. از این روی به دیدگاه "پی" که متن قرآن را ترجمه کرده است اشکاره‌می‌کنید که
می‌گوید: "ساخت جمالیاتی قرآن اساس بافت شاعرانه آن است. خاصه آن بافت...
که اشیاء را در حجم‌های نامه‌ای جلوه‌گر می‌سازد... لحن قرآن لحن بلند است و در
آن اندیشه‌های برق بر می‌جمهد. به دنیاهنده صورتی از تخلیف قرآن روستا آن
را نیرو بخشید..." (همان، ص. 91) این سخنان از یکی به تصویربرداری قرآن تأکید دارد.
اگرچه ما مسلمانان معتقدی که از مبانی نظر و شعر، قرآن در این مسئله و هن آساست:
قرآن، قرآن است: ما علماً با شعر و ما نیی‌ی مانند هر آن که دو قرآن شیعه (پیش / 19)
و نه ما او را شعر آموزیم و هن شاعری شایسته مقام ایست. بلکه که این کتاب ذکر و
قرآن روش است."}

در حوزه تصویربرداری قرآن مجدد می‌توان به تشیع پرداخت. چنان‌که در سیره قمر
می‌خوانیم: نامه‌ای که آنیت ایزارد از جنای برمکند،
چنان‌که ساق درخت خورا از ریشه افکنده.
و حور عینی، کامانی دلیل مکونن (وافقه/ 23) و زنان سپریند زیبای زماند و زرد
لوزه مکونن.

یکم تا دست نماهان کشف و تان کلمه کاگاه (مراجع/ 8 و 9) روزی که آسانی از
هول و وحشت جذب، فنر گداخته شود و کوه‌های بدان صلابت مانند پوشیده‌های بزرگ.
نفح قرآن در تحول نقد و بلاغت

وَلَهُ الجُوَارَ المنصَّاتٌ فِي الْبَحْرِ ۖ كَالأَعْمَالِ (الرحمن/۲۴ و۲۵) وَ أُوْلَٰىٰ رَأْسَتِ كَشْهَاهُ يَزرَگ
مانند کوه به دریا درگذشته.

إِنَّمَا نَجْتُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَآ أَنْزَلَهَا مِنْ السَّمَاوَاتِ. (بُنيُس/۲۴) زندگانی دنیا مانند آبی است

که آن را از آسمان فرود آورده‌م.

هِمْجَنِينَ تَصِیْرُهَا زِیَابِی وَ جَوْدَ دَادِه که از جمله می‌توان به «سجده درآمده گیاه و درخت» و «تعقیب کرد کافران توسط جهنم» و «دریابی از آتش فوران» و «نفس کشیدن صبح» اشاره کرد:

۱۷۴۸ وَالْجَمْعُ وَالْشَّجْرُ ۖ بِسَجْدَانِ (الرحمن/۲۷) وَ گیاه و درختان هم سجده می‌کنند

۱۷۴۹ از عقب هر گردنه‌کش عواد آتش دورخ است.

۱۷۵۰ وَالْبَحْرِ ۖ مُسْجًعُ (طور/۲۷) قسم به دریای آتش فوران.

۱۷۵۱ وَالصُّحِّبُ ۖ ضَیْفُ (تکویر/۱۸) قسم به صبح روشن وقتی دم زند.

انچه تصور و آرایه‌های قرآنی را از تصویرهای ادبی متمایز می‌کند حکمتی است

که در درون تصور و آرایه‌های قرآن‌ی نهفته است که همه آثار ادبی الزاماً از آن برخودری نیستند. و از آن میان از دیدگاه قرآن می‌توان کسانی که غیر خدا را به دوستی برگرفتند. بخاطر عتکبوت که مستری خانه‌ها به شمار می‌رود مشابه دانتست. (عکبوت/۴۱) ای اعمال کافران به خاکستری مانند یاد که تنها آن را به باد‌فا می‌دهد. (یبراهیم/۱۸) و کسانی که تورات را بار کردند و آن را برنداشته‌اند چونان

۱۷۵۲ حمایت هستند که کتاب را حمل کنند. (جمعه/۵)

بعضی از آرایه‌های قرآن، از نظر تعاریف ادبی، تصویری(ایماب) به شمار نمی‌آیند. یعنی

از مقوله تخلی نیستند بلکه بر واقعیت موجود با ممکن دلات می‌کنند و از این جهت

می‌توان آنها را از مقوله تخصیص مانند آبی‌های زیر:

و اگر زمین الأرض رَجُعَا. (واقعه/۴) آنگاه که زمین سخت به حرکت و لرزه درآید.

و الاعيان ضاحیا(العادات:۱) قسم به اسیبانی که نفسانی به شماره افتاد.

فالورات قددنا، فالورات صحیحاً(العادات/۲۴) قسم به بیرون اورندگان آتش از سنگ
به سعی‌های خود، پس آنها که وسیله‌ی گارت شوند در صبح،
چنانکه فکری تصویر‌های هنری قرآن محض بصری خیال نیست. قرآن (مرجع) که
یخواهد بیان غریبی که تعبیری از معنای مجرد کند یا حالتی نفس‌انگیز یا
نمونه‌ای انسانی یا ماجرا یا منظره‌ای از مناظر قیامت یا حالتی از حالات نعمت یا
عذاب الهی را وصف کندا در مقام احتجاج و جدلی مثلی زند در همه‌جا تکه بر واقع
محسوس، یا مخفی می‌نامند. و در جای دیگر می‌نویسد: «تصویر هنری در قرآن
تصویری است آمیخته با زندگی و جنگ و زندگی کلمات و نقشه‌های عبارت و سنج جملات
به گونه‌ای که دیده و گوش و حس، و خیال و هوش و وجدان را از خود آگنده
می‌سازد.
سی‌دقب در یک تنیجه‌گری گویا و سرشار از تأمل درباره عبارت‌های قرآنی و
شیوه آن چنین می‌نویسد: «عبیر قرآنی مبانی غریب دین و هدف هنری جمع کرده نا
آنها که زیبایی هنری برای آن ارزاری است که به وسیله آن وجدان دینی را بر می‌انگرید
تا بهتر بتوانند آن را پذیرای تأثیرات مذهبی سازد».
آنها که قرآن با زبانی سرشار از رمز و راز می‌گوید:
فأله هاواه (نسماء) پس مادر او هاوه جهنم است یعنی جایگاه و مأموری از دوزخ است
و ... در واقع یابید کشفی که فشرده‌گی معنا در آوا و آنچه در اصطلاح ادبیات اج Nazis نامیده
می‌شود یکی از درخشانترین پایه‌های بیان قرآنی است که در اینجا به جناد نمونه گزارش
می‌کنم:
و  شبیل الرأس، شبیل را که تابیدن پیری را به وسیله سر و
در سر به معنی سبید شدن می‌واست و می‌دانیم که سبید شدن می‌پَکی از نشانه‌های
پیری است.
و جمع‌الشمس و القمر (قیامت) «و جمع کرده شود خورشید و ماه» که در همین
عبارت کوتاه می‌توان ذهن را به چند حوزه معماین سقوط داد. ازجمله اینکه خورشید و
ماه هر دور به دور و خاموش شوند و یا اینکه پیش از خاموش شدن هر دور در روز
قیامت ظاهر شوند و یا اینکه با هم برخورد کنند و منتلاشی شوند که با توجه به قرآن
تفش قران لن تحوال نقد و بلاغت

معناي مختلف آيات همه این معانی به ذهن متباش می‌شوند.
فآذقاً الله لباس الجوم و الحروف(نحل/11) بس خدا لباس گرسنگی و ترس را به اهل آبادی چشاند. می دانیم که در زین لباس چشاندی نیست بلکه پویشانی و پویشانی است. و از این جهت که فعل را در معنی مجازی خود بکار برده «استعاره تبعیه» می‌باشد. و از دیگر سوی می‌توان «لباس گرسنگی» و «لباس خوف» را اضافه‌های تشیبی دانست که در مجموعه پیامگ احاطه و فراگیر بودن است. بس در این آیه هسته بیان را می‌باشد. در دو کلمه «آذاق» و «لباس» جستجو کرد. «آذاق» به معنی «چشاند» به کیفیت گرسنگی و ترس توجه دارد و «لباس» به کیفیت گرسنگی و ترس اشاره می‌کند.
بس حاصل معنی این است که اهل آبادی در فقر و ترس عنق و فراگیری رفرو رفنده.

از ویژگی‌های بیانی قران که کمتر مورد توجه قرار گرفته است «احاله به محال» آن است که در جهت بین حکمت و بنده و اندزه بگیر رفته است:

۱ - آقیدین که باد باز ایافتینا... لاید خلوتون الهمکیش تحتی یلجه الجمل في سمن‌

الخیاط(اعرف/۴). در حقيقة کسانی که آبات ما را دروغ شمرندند. در بهشت در 
نمونه‌ی آینده مگر آنکه شریف در سرای سوزن داخل شود. هر چند می‌دانیم که شریف و طناب 
هرگز از روزنه زنگ‌سوزن نمی‌گذرند و احالت به محلان و نامنکش شده است. و این 
یک تردید یکی از جلوه‌های زیبایی قران می‌باشد. اما آنچه در احالت به محلان از سوی 
نگارنگان و نویستگان کمتر مورد تایید و توجه قرار گرفته است، سربایی است که در 
برابر چشمان تشنه مخاطب می‌درخشد و به امید به آنی می‌بخشند. می‌دوید و تشنه تر 
می‌شوونم آم آب نمی‌یابد. و این نقش درخشان را در آیه فوق، واژه «حتی» این می‌کند.

استعاره تهجیمه که در قران وجود دارد، خود سرشار از طنزی است که با هدف بند 
و اندزه و افسانه‌پیم و امید در دلها، بکار گرفته شده است.

فیش‌های مغذب الیم(اشقاق/۲۴) مزدهد ایها را به غذا دردناک.
و در سورة نساء آیة ۱۳۸ آمده است: پسر الشافعین یا لَهُم غذاءاً آیا: مزده دها منافقان

۲۱۱
را که بر آنان عذاب دردناک خواهد بود.
بس پیداست که «مژده» و «شیر»؛ در ذهن، ایجاد تشکیک می‌کند. و چون «عذاب الیم»
این تشکیک را قرونه نشاند، بلکه آن افزونی می‌بخشد، طنز زیبا شکل می‌گیرد که
در دوخته آن اندرزی تهنه است. و در این آیه: «تُحقِ انْتِکَ اِنْتُ العَزْیْزُ الکَریمُ (رَک:
دخان/۴۹) بجش عذاب دوزخ را که تو بسیار عزیز و گرامی هستی؛ چشیدن آن جا که در
معنی مجازی به کار می‌رود و استعاره تبعیعه است، و قلم و کیفیت احساس و ادراک
دلالت دارد. و می‌دانیم که «عزیز» و «کریم» در آیه پیش گفته، معنایی متضاد با ظاهر
لفظ دارند. و چون مخاطب، اهل دوزخ است، گرنه آن شک دوزخ به زندگان و تازندگان
می‌داند زندگان بدن می‌دهد که گوش داردند و به هوش باشند.
یکی دیگر از جلوه‌های هنری و زیبایشانی قرآن مجدد، ساختمان آیه‌ها در سوره‌ها
است: به گونه‌ای که غالب‌اً هر آیه، افزون بر بیوند معنا پیا آیه‌های دیگر، دارای معنا
مستقلی نیز هست. و از این روز، گوناگونی مضامین آیه‌ها، گونه‌ای از زیبایی‌های را
به وجود می‌آورد که اگرچه درک می‌شود اما توصیف آن دشوار می‌نماید. هرچند در
همه سوره‌ها از جهت ساختمان مضمونی آیه‌ها تأمل صورت نگرفته است اما ط حسین
به تنوع موضوعی سورة بقره اشاره کرده است. و آن را دلیل تدریجی بودن نژول آیه‌ها
در بعضی از سوره‌ها می‌داند. در اینجا به سوره انگاره‌ای از دیدگاه موضوعی که
شاخص‌های مبک‌ها را به وجود آورده است، اشاره می‌کنیم:

یا اگر سما، ان‌طن‌ارت
و اگر کواکب است‌ارت
و اگر البحار زخبَرت
و اگر القدرَرُیب‌ارت
علی‌که نفس ما قدْمَتَ و آخْترَت
با آنها الإنسانْ ما غَرْکَ برَنکَ الکَریم
الذَّی ُخَلْقَ فِنْیًکُ فَرِیدَلْکُ
نقش قرآن در تحول نقد و بلاغت

فِی اَنّ صُورَةِ مَانِعٍ رَکْبَتُکَ
گُلۙاَّبَل لَکُنِّدۡبُونَ بَالۡدَنِ٢
وَۡ اَنَّ عِلۡیَمُ لَمَحِفِظِنِنَزۡبُنَّآ
یَسَلَّوُنَّ اِبۡوَامُ الَّذِينَ
وَۡ ما هُمۡ عَنۡهَا بَاغِنِنۡی٣
وَ‌ۡ ما اَذَرِیلَ مَا یَسۡوَمُ الَّذِینَ
ثُمَّ هَمَّ اذَرِیلَ مَا یَسۡوَمُ الَّذِینَ
نَیِمَ لَاتُنلْفی ۡمُغَأۡشِی اَلۡمَرۡ َیَوَمُّنَا ۢلَلَّهَ
سُورَةَ اَلۡفَتۡرَ ۡکَهَ بِمَعِنِّی ۡشَکَافَتِنَ ۡدُرۡبَارَ رُزَقَتِ ۡابۡستۡ. وَ اَزِ اَیَّهَا ۡخَسۡسَتُ نَۡنَا
پَایان، رَضِّیۡبِلَاللهِ ۡکَهَ بِمَعِنۡی ۡشَکَافَتِنَ ۡدُرۡبَارَ رُزَقَتِ ۡابۡستۡ. وَ اَزِ اَیَّهَا ۡخَسۡسَتُ نَۡنَا
اسْتِقۡلَالِ اَیَهَا رَهَّ ۚ چُنَّد اَن حُوۡزَه‌یَ مَسَمُودَتِ ۡرَهَّ وَ اَنِّی نُمِ اُسۡتَدَانَ. بِهِ تَعۡبِی‌ن دِیگَرُ اَکر ۚ چۡه
مَعِنِّی اَیَهَا بَا ۡهَمِدَیگِرَ بِیَوَنِدَ دَارَدَ اَما وَابِسَگِی مَعۡنِ اُن در هَمِّ اَیَهَهَا اِبۡنِ سَوۡرَه٢ بِهِ
چُشَمَ نُمِ اَسَرَدَ

نتیجه:

پیدایش بلاغت قرآنی در میان مسلمانان و رشد و بالتدکی آن را یاد تابعی از تألیفات کلاسی دانشمندان و متکل‌الین قرآنی‌ها و دانست این بلاغت در دوره آغازین خود اغلب صبیغه کلاسی داشت تا ادبی و بلاغت صرف و زنگ و ویژه کلامی در پژوهش‌های بلاغی مذکور، اگرچه با گذشت زمان، کم‌رنگ شده است؛ اما هرگز از میان نرفته است. محوریت قرآن کریم به عنوان کتاب جامع مسلمانان و معجزه دین اسلام و ذکر شواهد قرآنی در مباحث بلاغی که خود پیامد پژوهش‌های قرآنی بوده‌اند. در تک‌نویس و تحول نقد و بلاغت از باختر اسلام تاکنون استمرار داشته است. و آنچه به عنوان گام آغازین در زمینه نقد ادبی معرفي شده و محمد خلف الله، استاد دانشکده ادبیات
دانشگاه اسکندریه آن را باداوری کرده است. چیزی نیست جز تأملات محمد زغلول سلام که به آثار نویسنده‌گانی چون ابن سلام، جاحظ، امدي، قاضی جرجانی، ابیهلال عسكری، عبدالله‌قله‌جرجانی و دیگران درباره طبعت شعر و شیوه پیان عربی و مقایسه شاعران با محوریت اثر پذیری از قرآن کریم. قرآن پیروان نیز در آثار خود به پیک بنا چند و یزگی بلافاصله قرآن بردایته‌اند. از آن میان ابعیده مثنی کتاب مجازات/القرآن را با تمرکز بر ویژگی‌های مجازی، استعاری و کتابی قرآن نوشته و این قنیه در مشکل الکثران به رمزگذاری عناصر ادبی قرآن بردایته و اسلوب قرآن را شرح داد و از شیوه قرآنی معنی زیاد با لحاظ کم سخن گفت و ابوالقاسم آمیزی به موانع و مقایسه بین شعر شاعران عرب مانند ابوتمام و البته با تکیه و تأکید بر معیارهای قرآنی پردایخت و قاضی جرجانی در کتاب الوسطایه بین المتنی و خصوصه، راه آمیزی را اداه داد و پس از ابوالحسن علی الزمانی بر جهانی بودن بلاغت قرآنی تأکید کرد و رسالت النکبت در الاعجاز را در تبیین نظریه خود نوشته و قاضی ابوبکر باقلا در کتاب/اعجاز/القرآن از تمايز نظم قران با شعر عرب سخن گفت.

نخستین کتابی که شبیه‌ندی دانشگاهی در آن منظور شده، کتاب/البیان و البته اثر جاحظ بصری (قرن سوم) بود که ابیهلال عسكری در قرن چهارم آن را نقد کرد.

در یکی از نجوم عبدالقله‌جرجانی کتاب دلال الاعجاز را درباره کیفیت اعجاز قرآن که از دیدگاه او در نظم آن نهفته است، نوشته و حقيقة و جوهره بلاغت و فصولت را در نظم دانست. او در کتاب/اسبیر/البلاغ الاغرذاهی هر ادیب را نشان‌دهی از زیبایی سخن شمرد و منوی خالقی این زیبایی را قرآن کریم شناخت. در قرن چهارم، دو نویسنده در تفسیر کتابی، بلاغت و فصولت قرآنی را جامع شیوه‌های افسونگری فیکانی و ادبی عیب‌انگاشته و ضیاء‌الدنیان بن ابر در قرن هفتم کتاب/المثل/السائر و ادب الكاتب و الشاعر به تحلیل هنری، ادبی و زیبایی شناختی قرآن پردایخت و از اسیر آن رمزگشایی کرد. پس از آن در قرن هفتم امام به حقیه علیؤاله کتاب/الاعجاز/را درباره مقدمات ضروری و معنا و بین و فصولت قرآن نوشته.
نقش قرآن در تهويل نقد و بلاغة / 215

در دوره معاصر نيز امام محمد عبده، به تهلیه و بلاغت، و رابطه آن با بلاغت قرآنی برداخته و در این زمینه گماهایی، نو برداشته است و محمد مندور در نقد ساختاری و طه حسين در بررسی بیان عربی از جهان تا عبدالقاهر نیز درباره نقد و بلاغت عربی و

تحول آن سخن رفت‌هادند.

برخی از یکوهشگران نيز به ریخت‌های هریک مختلف در أدب شعری و نخیر عرب و تاریخ تحول آن توجه کردندند: جنگلک زکی مبارک در مقدمة نقد النثر مطلبی، را با عنوان نظری در بین پدیده‌های مختلف داده است و شوقی ضیوف در کتاب الفن و

مذاهبی فی الشعر العربي و الفن و مذاهبی فی النثر عربی به آن توجه کرده است. اما از این مبان، سید قطب در التصویر الفنی فی القرآن و مشاهد الفنیا فی القرآن و احمد بدوی در کتاب از بلاغت القرآن در بیان نقد و بلاغت قرآنی معاصر، قاچی‌ها و ویژه‌ای

دارند.

متابع:

قرآن مجید، ترجمه محمد‌مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، 1384.
ابوالفرج، قدمه بن جعفر، کتاب تقد النثر، بیروت، 1402 هف. اوولم، استقان، معاصر، 1372 م.
بدری، احمد. من بلاغه القرآن، مصادر دار نهضت المصري للطب والنشر، [پی‌تای] بلاغه، صدرالدن، قصص قرآن، تهران، امیرکبیر، 1359 هف. خلیفه‌احمد، يوسف، مصداق الادب والتفصیل، قاهره، مكتبة الأدب، 1426 م. رجبی‌نیا، محمد خلیل، معالم البلاغه در علم معاصر، قاهره و بیروت، شیراز، دانشگاه شیراز، 1372 هف.
سالم، محمد زکی، آخر القرآن في تطور النقد العربي، فآهره، دارالمعارف، 1968 م.
زیدان، جرجی‌العرب، قبل الإسلام، بیروت، دار مكتبة الحياة، 1966 م.
سالم، ابراهیم، بلاغة أراسته بين العرب والعوام، بیروت، ضیوف، شوقی، نصوص في الشعر ونقد، دارالمعارف بعطر 2007 م.
الفن و مذاهب فی الشعر العربي، مصیر، مكتبة ابناء مصر.
الفن في النثر العربي، مصر، دار الكتب العلمية 2008م
طابع، سيد محمد حسن، تراث در/سلام، قم، هجرت 1360 هـ.
عبدالحليم، ج.م، تاريخ أدبيات عرب، ترجمة آذرفان، تهران، اميرکیری، 1373 هـ.
عبدالله، محمد حسن، اصول النظرية البلاطية، مکتبة وهب، 1966م.
فخر الدين، جودت، البقاع والزمان (كتابات في تقد الشعر)، بيروت، دار الحرف العربي، 1415 هـ.
فروزان، بديع/الزمان، احداث مشوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1344 هـ.
قطب، محمود، ریاضاتی قرآن، تهران، سمت، 1386 هـ.
قطب، سید الصوری الفنی فی القرآن، مصر، کتاب اسلامیه، دار الشروق، 2011م.
میرصادقی، جمال، قصه، دانستان کردا، رمان، تهران، آگاه، 1360 هـ.